Archive of SID

پژوهشنامهٔ ادب غنایی
دانشگاه سیستـان و بلوچستـــان
سال ششم، شمارهٔ یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷
(صص: ۳۶-۵)

تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی

دکتر حسین آقا حسینی*
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان
دکتر محمود براتی ** – **عباس نیکبخت*****

چکیده

بررسی و نقد و تحلیل تشبیه مرکب و بحث درباره ی انواع آن در غزل سبک عراقی، می تواند راهگشای علاقمندان به مطالعات ادبی جهت فهم بهتر آثار غنایی این دوره باشد. تا آن جا که بنده کنکاش نموده است، تحقیق مستقلی در این زمینه از سوی محققان صورت نگرفته است. بنابراین به منظورتحقق این هدف۱۰٪ غزل های دوازده شاعر معروف و مؤثر این دوره (به جز غزلیات مولوی که به سبب گستردگی بیش از حد به ۵ ٪ بسنده شده است) مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. بسامد تشبیهات مرکب در دیوان شاعران این دوره، دارای اوج و حضیض است و با نزدیک شدن به پایان این دوره، از میزان تشبیهات مرکب در غزلیات کاسته می شود.

---

*Email: h.aghahosaini@yahoo.com
استادیار زبان و ادبیات فارسي دانشگاه اصفهان Email:
** mbk@itv.ui.ac.ir
دانشجوي دوره دکتري زبان و ادبیات فارسي دانشگاه اصفهان
*** Email:nikbakht_abbaz@yahoo.com

www.SID.ir

Archive of SID

فراوانی این نوع تشبیه در شعر شاعرانی همچون سعدی، خواجو، کمال الدین اسماعیل، عراقی و عطار بیشتر از دیگران است؛ اما تنوع اغراض تشبیه که بیانگر نگرش فکری و جهان بینی شاعر است، در غزلیات مولانا از همه وسیع تر و گسترده تر است؛ ضمن این که حداقل یک سوی تشبیهات مرکب برخی از شاعرانی که شعرشان صبغه ی عرفانی دارد، از نوع عقلی است. سعدی در زمینه ی تشبیه مرکب تمثیلی و خواجو و انوری در تشبیه مرکب تخییلی از سرآمدان روزگار خود هستند.

واژگان کلیدی: سبک عراقی، تشبیه مرکب، تشبیه تمثیل، تشبیه مرکب تخییلی، توصیف، بیان حال.

مقدمه

مطالعه‌ی شعر فارسی در ادوار مختلف نشان می دهدکه تا آغاز قرن ششم، غزل به صورت مستقل آن وجود ندارد و مضامین غزل در تغزل‌های قصاید یافت می‌شود. این تغزل‌ها در اوایل قرن ششم، به سبب کسادی بازار مدح، از قصیده جدا شد و قالب جدیدی در شعر به وجود آمد که شاعران در بیت تخلّص، به جای نام ممدوح، نام خود را ذکر کرده‌اند و به تبع آن مدح معشوق جایگزین مدح ممدوح و بیان عواطف و احساسات، جایگزین توصیف طبیعت شد.

مشهور است اولین کسی که به طور رسمی قالب غزل را در شعر خود وارد ساخت، سنایی غزنوی است. غزلیات او به طور کلی دو نوع است: یک دسته همان رنگ و بوی تغزل را دارد و همان است که بعد در سیر تکاملی خود از طریق انوری، ظهیر و کمال، در شعر سعدی به اوج خود می رسد و دسته‌ی دیگر اشعاری است اخلاقی یا به اصطلاح عارفانه که از طریق اشعار خاقانی، نظامی، عطار و مولوی شکوفا می شود (شمیسا، ۱۳۷۹: ۲۱۱-۲۰۹).

منظور از غزل سبک عراقی، دوره‌ای است که از ظهور سنایی غزنوی آغاز و با خاموشی ستاره‌ی درخشان ادب فارسی، حافظ شیرازی، پایان می‌یابد؛ اگر چه ممکن است در نظر بعضی، دامنه‌ی این سبک محدودتر یا وسیع‌تر از این باشد. در این بررسی،شاعرانی که در اصطلاح بین

www.SID.ir

Archive of SID

بین قرار گرفته اند، نظیر سنایی و خاقانی و انوری، به سبب تأثیر در سبک عراقی، جزء سبک عراقی قلمداد شده اند.

مطالعه‌ی موردی هر یک از مباحث علم بیان، در دوره‌های مختلف ادب فارسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند در زمینه‌ی شناخت و فهم هر چه بهتر آثار ادبی، اندیشه‌ها، باورهای ذهنی و نوع نگرش صاحبان آن آثار، مؤثر باشد. همچنین این شیوه می‌تواند در مطالعات سبک شناسی و نقد ادبی، راهگشای پژوهشگران عرصه‌ی ادب قرار گیرد. یکی از این مباحث که در ادب فارسی و ادبیات عرب از اهمیت فوق- العاده‌ای برخوردار است و در کتاب‌های علم بیان به تفصیل درباره‌ی آن بحث شده، تشبیه مرکب است.

درباره‌ی این نوع تشبیه در ادب فارسی، ظاهراً تحقیق مستقلی صورت نگرفته است؛ تنها شفیعی کدکنی در کتاب ارزشمند «صور خیال در شعر فارسی»(شفیعی کدکنی،۱۳۶۶: ۶۹ و۸۴ ذیل تشبیه تمثیل) و طالبیان در کتاب «صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی» (طالبیان،۱۳۷۸: ۴۵ ،۱۱۲ ،۱۴۸ ،۲۵۸ ،۲۷۹ ،۲۹۲ وجداول آماری تشبیه) در بررسی شعر شاعران این دوره، مطالب پراکنده‌ای عنوان نموده‌اند.

روش تحقیق

چون بررسی همه‌ی غزلیات این دوره کاری بس دشوار و با زمان محدود ممتنع می‌نمود؛ بنابراین ابتدا ۱۰٪ از کل غزلیات هر شاعر(بجز غزلیات شمس که به سبب گستردگی بیش از حد به ۵٪ بسنده شده است) فیش برداری و سپس تجزیه و تحلیل شده و سرانجام به شیوه‌ی تحلیلی ـ مقایسه‌ای و رسم نمودار و جداول لازم، جایگاه تشبیه مرکب در غزل سبک عراقی تبیین گردیده است.

بحث

درباره‌ی تشبیه مرکب و تعریف و محدوده‌ی آن در همه‌ی کتب بلاغی، که از موضوعات علم بیان بحث کرده اند، مطالبی آمده است که کمابیش شبیه به هم است و در تعریف اختلاف

www.SID.ir

Archive of SID

چندانی دیده نمی‌شود. آنچه موجب تفاوت است، مصادیق و مثال‌های ذکر شده در این کتب است که گاه نویسندگان در تشخیص به اشتباه افتاده‌اند و مثلاً تشبیه متعدد و مقید را مرکب دانسته‌اند؛ البته برخی نیز گاهی از تشبیه متعدد با نوعی استدلال و توجیه به تشبیه مرکب تعبیر نموده اند (تجلیل، ۱۳۶۸: ۴۴-۴۳).

تشبیه مرکب، تشبیهی است که اولاً وجه شبه در آن از اموری چند منتزع شده و ثانیاً این وجه شبه همواره تأویلی باشد. نمونه‌ی بسیار بارز این نوع تشبیه در قرآن کریم آیه‌ای است که در احوال یهود نازل شده است: مثل الذین حملوا التوراه ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفاراً. که وجه شبه تأویلی «جهل و نادانی» از مجموعه اموری همچون «خر»، «اسفار» و «حمل» بی فایده‌ی آن توسط خر، اخذ شده است (جرجانی، ۱۳۶۱: ۵۸-۵۵). لازم به توضیح است که هر تشبیهی که وجه شبه آن تأویلی باشد،الزاماً تشبیه مرکب نیست؛بلکه حتی در تشبیهات مفرد و مقید نیز ممکن‌است‌وجه‌شبه‌مؤول وجود داشه باشد. مثل تشبیه برهان به خورشید (همان:۵۲-۵۱).

بدیهی است که در تشبیه مرکب هیأت منتزع و اجزای ترکیب باید با هم پیوند داشته باشد و نباید جدا از هم درنظرگرفته شود؛ چرا که لطف و زیبایی تشبیه از بین خواهد رفت و اگر قرار باشد اجزای ترکیب جدا جدا و در مقابل هم قرار گیرد، شاعر نیازی به اختراع تشبیه مرکب نخواهد داشت و منظور و مقصود خود را می‌تواند با تشبیه متعدد بیان دارد:

عکس شکوفه ز شاخ بر لب آب اوفتاد راست چو قوس قُزَح بر گذر کهکشان

(خاقانی، ۱۳۷۴: ۳۳۱)

بنابراین در مثال بالا نمی‌توان گفت « عکس شکوفه» به «قوس قُزَح» و «آب» به «کهکشان» تشبیه شده است؛ بلکه «تصویر شکوفه‌ی(رنگین) افتاده در آب» به «رنگین کمانی که در کنار کهکشان راه شیری قرار گرفته» تشبیه شده است، پس هر کدام از مشبّه و مشبّهٌ به، حدّاقل دارای دو جزء تفکیک ناپذیر است که با قرینه‌سازی، تصویری متشکل از چند جزء به وجود می‌آورد.

www.SID.ir

Archive of SID

نکته‌ی دیگر این که گاهی در تشبیهات مرکب، بعضی از اجزای فرعی در دو طرف تشبیه، محذوف است (به دلیل تنگناهای وزنی و یا هر دلیل دیگر) و خواننده‌ی محقق باید آن اجزای محذوف را در ذهن خود مجسم نماید. مثلاً در مثال بالا قرینه‌ی «شاخ و برگ سبز بوته‌ی گل» در مصرع دوم که حکم مشّبهٌ به را دارد، ذکر نشده است؛ ولی ما در ذهن خودمان رنگ نیلگون آسمان را که قوس قُزَح در پهنه‌ی آن ظاهر می‌شود، مجسّم کرده و به جای شاخ و برگ سبز بوته‌ی گل قرار می‌دهیم.

تشبیه مرکب حکایت از خلاقیت و پیچیدگی‌های ذهنی و تخیّلی شاعر دارد و نشان می‌دهد که شاعر از مفاهیم ساده و تکراری در می‌گذرد و اندیشه‌های خود را به صورت پیچیده‌تری مطرح می‌کند. بنا براین شاعرانی که در شعرشان، نسبت به دیگران، بیشتر از تشبیه مرکب استفاده کرده اند، ضمن این که ذهن تخیلی و نیرومندی دارند، از نوعی خودآگاهی اندیشه نیز برخوردارند؛چراکه لازمه ی چینش واژه ها در کنار هم و خلق تصاویر ترکیبی، همانا داشتن خودآگاهی ذهنی است. شاید بتوان میزان اندک تشبیهات مرکب در شعر شاعران عارف مسلک را با این نظر توجیه کرد؛ زیرا آن ها در هنگام سرودن اشعار عرفانی،گرفتار نوعی خلسه‌ی معنوی می‌شوند و در این وضعیت روحی و روانی، خلق تصاویر ترکیبی قدری دشوار می نماید.

در تشبیه مرکب، لزوماً یکی از طرفین تشبیه مرکب است، امّا سوی دیگر آن ممکن است مفرد، مقید و یا مرکب باشد. بنابراین از جنبه‌ی فرضی و نظری، تشبیه مرکب ممکن است به یکی از شکل‌های زیر پدید آید:

مشبّه	مشبّهٌ به
مرکب	مرکب
مرکب	مقید
مرکب	مفرد
مقید	مرکب
مفرد	مرکب

www.SID.ir

Archive of SID

قبل از ورود به بحث اصلی و بررسی تشبیه مرکب در غزل شاعران این دوره، جهت آمادگی ذهنی خوانندگان به ارائه‌ی جداول آماری و بررسی و تحلیل آن و نیز ترسیم نمودار فراوانی این نوع تشبیه در غزل شاعران سبک عراقی پرداخته می شود.

جدول‌مقایسه‌ای‌تشبیه‌مرکب‌در غزل‌شاعران‌سبک‌عراقی‌بر اساس ۱۰ درصدکل غزل ها

شاعر	تعداد غزلها	مرکب به مرکب	مرکب به مقید	مرکب به مفرد	مفرد به مرکب	مقید به مرکب	نسبت تشبیه مرکب به تعداد غزل (درصد)	حسی به حسی	حسی به عقلی	عقلی به حسی	عقلی به عقلی	تشبیه تمثیل	جمع
سنایی	۴۰	۴					۱۰	۲		۲		۱	۴
خاقانی	۳۳	۲					۷			۲		۱	۲
انوری	۳۲	۴	۱				۱۶	۳			۲	۱	۵
عطار	۸۷	۴	۳	۲	۶	۱	۱۸	۹		۷			۱۶
جمال الدین عبدالرزاق	۱۷	۱					۶				۱	۱	۱
کمال الدین اسماعیل	۱۶	۵		۱			۳۷	۶					۶
مولوی	۳۰۰	۱۸	۱	۶	۱۳	۴	۱۴	۱۸	۱	۱۷	۷	۳	۴۲
سعدی	۶۸	۲۹	۲	۱		۱	۴۹	۵		۱۸	۸	۱۹	۳۳
عراقی	۳۱	۴	۱	۱	۱		۲۲	۴		۳		۲	۷
خواجو	۸۱	۲۶	۱		۳	۲	۳۹	۱۵		۹	۸	۱۳	۳۲

از جدول فوق می توان دریافت که هرجه از آغاز این دوره دورتر می شویم (با اندکی تسامح) بر میزان تشبیهات‌مرکب افزوده می‌شود و این روند به ترتیب زمانی، مخصوصاًدر غزلیات عطار، کمال، سعدی، عراقی و خواجو نمود بیشتری دارد؛ امّا در اواخر این دوره، این سیر معکوس شده و از میزان تشبیهات مرکب کاسته می شود. از جنبه ی جغرافیایی نیز بسامد تشبیه مرکب در غزل شاعران منطقه‌ی عراق عجم، به نسبت بالاتر از شاعران خراسانی است.

نسبت تشبیهات مرکب به مرکب به سایر تشبیهات‌که یک طرف‌آن ها مرکب است، از بسامد بالاتری برخوردار است و این به طور کلی از پیچیدگی های خیال و خلاقیت ذهنی شاعران این نشان دوره دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

بسامد بالای تشبیهات مرکب حسی به حسی و عقلی به حسی، در جدول فوق، نشانی از ذهن استعاره- گرای شاعران این دوره است.

فراوانی بالای تشبیه مرکب در شعر سعدی، خواجو و کمال اسماعیل، این سه شاعررا از دیگران ممتازمی کند ومیزان بالای تشبیهات حسی به حسی و عقلی به‌حسی آن ها نشان می دهد که این سه، شاعرتوصیف امور عینی اند تا اهل تجربه های باطنی و امور متافیزیکی.

در پایان این دوره با نوعی تغییر سبک نسبت به تشبیه مرکب رو به رو هستیم، به گونه‌ای که از میزان تشبیهات‌مرکب کاسته و اقبال و گرایش به‌تشبیهات مفرد و مقید بیشتر می شود؛ چنان که این موضوع در غزلیات سلمان و حافظ به خوبی آشکار است.

بررسی‌ها نشان می دهد که شاعران قرن هفتم و هشتم گرایش‌خاصی به تشبیه تمثیل دارند و در میان آن ها سعدی در این زمینه سرآمد همه است؛ امّا مولانا از این قضیه مستثنی است و شاید سبب آن فی البداهه سرودن غزلیات از جانب وی باشد که فرصت کافی را برای تمیثیل گویی به او نداده است. این مسأله حتی در مورد فراوانی تشبیهات مرکب وی نیز صادق است.

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، خانه های جدول انواع تشبیه مرکب، در غزلیات عطار و مولوی و تا حدودی عراقی و خواجو پر شده و تکمیل است و این نشان می دهد که شاعران با آگاهی قبلی نسبت به مباحث صور خیال و تقسیمات آن، سعی داشته اند در سرودن همه‌ی انواع تشبیه مرکب هنرنمایی کنند. خالی بودن مربع های جدول در سایر شاعران، نشانه‌ی بسامد پایین این نوع تشبیه در شعرشان باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول موضوعی تشبیهات مرکب در غزل سبک عراقی

شاعر	تعداد غزل ها	توصیف	بیان حال شاعر	مدح	مفاهیم خاص عرفانی	اطلاعات نجومی	جمع
سنایی	۴۰	۲	۲				۴
خاقانی	۳۳		۲				۲
انوری	۳۲	۳	۲				۵
عطار	۸۷	۴	۸	۲	۲		۱۶
جمال الدین عبدالرزاق	۱۷		۱				۱
کمال الدین اسماعیل	۱۶	۳	۳				۶
مولوی	۳۰۰	۲۸	۸	۲	۳	۲	۴۳
سعدی	۶۸	۱۳	۲۰				۳۳
عراقی	۳۱	۴	۳				۷
خواجو	۸۱	۲۳	۸				۳۱
سلمان ساوجی	۴۴	۱	۲				۳
حافظ	۴۹	۳	۴	۱			۸
جمع	۷۹۸	۸۴	۶۳	۵	۵	۲	۱۵۹

جدول بالا بیانگر آن است‌که بسامد موضاعات توصیفی(توصیف طبیعت، اشیاء، مسائل معنوی، معشوق و...) نسبت به بقیه‌ی موضوعات در مرتبه‌ی بالاتری قرار دارد. در این میان،شاعرانی همچون مولوی و خواجو بیشتر به وصف و کسانی نظیر سعدی و عطار بیشتر به بیان حال تمایل نشان داده اند.

گرایش شاعران این دوره به غزل سرایی سبب شده است که موضوع مدح در تشبیهات مرکب آن ها بسیار کم رنگ جلوه کند؛ زیرا حوزه ی مدح بیشتر با قصاید مدحی سازگار است تا غزل های عاشقانه و عارفانه. همچنین مفاهیم خاص عرفانی در تشبیه مرکب این دوره اندک است و این موضوع در سایر صور خیال نمود بیشتری دارد. به نظر می رسد تشبیه مرکب برای بیان مفاهیم عرفانی به اندازه ی مفاهیم توصیفی کارایی نداشته باشد.

با توجه به محیط پرآشوب اجتماعی و سیاسی و حاکمیت تفکر قضا و قدری و جبری، شاعران این دوره، کمتر به امور فلکی و نجومی در این نوع تشبیه پرداخته اند و این مسأله در

www.SID.ir

Archive of SID

نوع خود مایه‌ی اعجاب و شگفتی است. شاید ریختن اندیشه های ترکیبی و تمثیلی نجومی در قالب این نوع تشبیه، برای شاعران سخت و دشوار بوده است؛ چنان که در تشبیهات مفردو مقید، بسامد اندیشه های فلکی و نجومی در این دوره قابل توجه است.

در ادامه توضیحات جداول فوق، نمودار زیر نسبت تشبیه مرکب در ۱۰۰ غزل هر شاعر را نشان می دهد:

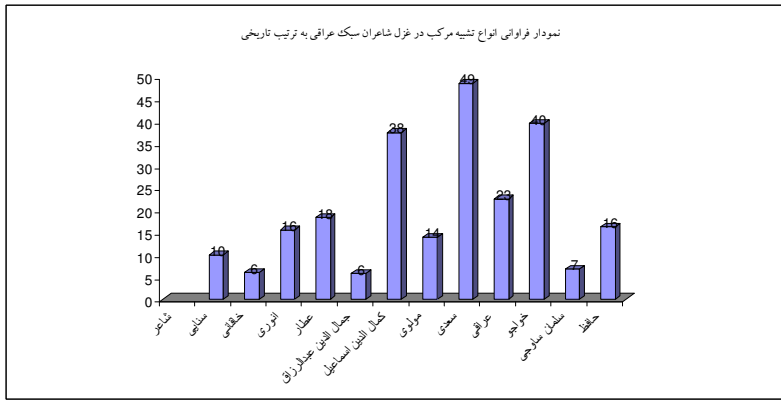

بررسی تشبیه مرکب در شعر شاعران سبک عراقی به ترتیب تاریخی

۱ ـ سنایی

بررسی‌ها نشان می‌دهدکه بسامد تشبیه مرکب در سبک خراسانی بیش از سبک عراقی است(ر. ک طالبیان، ۱۳۷۸، جداول آماری تشبیهات)؛ امّا سنایی با وجود آن که هنوز فاصله‌ی چندانی با دوره‌ی سبک خراسانی ندارد، این تشبیهات در غزل او اندک است. فراوانی این نوع تشبیه در غزل سنایی در جدول مقایسه‌ای تشبیه مرکب حدود ۱۰٪ است که رقم قابل توجهی نیست. در مطالعه‌ی چهل غزل از میان چهارصد غزل وی، تنها چهار مورد تشبیه مرکب به مرکب به دست آمد که برخی درتوصیف و برخی در بیان حال شاعر است:

www.SID.ir

Archive of SID

با خط مشکین ز سیمین عارضی کایزد نهاد مورچه گویی به عمدا بررهی بیضا گذشت
(سنایی، ۱۳۸۵: ۸۳۳)

آویخته شد دلم نگو نسار همچون سرزلفت از بر دوش
(همان:۹۱۰)

با توجه به بسامد اندک تشبیهات مرکب در غزل سنایی، می‌توان دریافت که او در غزل شاعری است دارای ذهنی‌ساده و به دور از پیچیدگی‌های خیال که هنوز کوششی جدّی از جانب وی در جهت خلق اندیشه‌ها و مضامین خیالی نو ـ بخصوص در زمینه‌ی تشبیه مرکب ـ صورت نگرفته است.

۲ـ خاقانی

بسامد تشبیه مرکب غزل خاقانی در جدول مقایسه‌ای این تشبیه حدود ۶٪ است و به نظر می‌رسد که غزل او در زمینه‌ی تشبیه مرکب حتی از دیوان سنایی نیز فقیرتر است؛ البته این مطالعه در غزل وی صورت گرفته و ممکن است این مسأله در مورد قصاید او صادق نباشد.

در بررسی ۳۳ غزل خاقانی تنها دو مورد تشبیه مرکب به مرکب یافت شد که هر دو مورد در موضوع بیان حال شاعر است و از توصیف و دیگر موضوعات خبری نیست.

مرا با عشق‌تو دردل‌هوای‌جان‌نمی گنجد مرا یک‌رخش‌در میدان دو رستم بر نمی‌تابد
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۵۹۲)

دراین بیت شاعر عشق ورزی خود نسبت به معشوق را با عناصر قهرمانی و ملّی در آمیخته و تصویری تازه و نو ارائه داده است.

۳ـ انوری

حاصل کنکاش ۳۲ غزل انوری، چهار تشبیه مرکب به مرکب و یک تشبیه مرکب به مقید است که سه مورد توصیف و دو مورد در بیان حال شاعر است. فراوانی تشبیه مرکب در غزل

www.SID.ir

Archive of SID

انوری حدود ۱۶٪ است که از این نظر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به شعرای پیش از خود داشته است.

تصاویر تشبیهات مرکب انوری از شاعران پیشین زیباتر است و خلاقیت بیشتری در آن‌ها دیده می‌شود وگویی‌این تشبیهات سرآغازی است به نگرش‌جدیدی از تشبیه مرکب، که‌همان خلق تصاویر نو و ابداعی است.

برخی از تشبیهات مرکب سنایی را با خیال نو، تقلید کرده است. از مقایسه ی دو بیت زیر این امر کاملاً مشهود است:

با خط‌مشکین زسیمین عارضی‌کایزد نهاد مورچه گویی به عمدا بر رهی بیضا گذشت
(سنایی، ۱۳۸۵: ۸۳۳)

خطّ‌تو برخدتوچوبرشیرپای‌مور زلف‌توبررخ‌تو چو برمی پرّ غراب
(انوری، ۱۳۷۶: ۷۷۰)

در بیت بالا انوری با واژه‌های متضاد، تصویر خیالی جالبی در وصف زیبایی محبوب خویش ساخته است.

برعارض‌توحلقه‌ی زلف‌توگوییا کز مشک‌چشم هاست به گلبرگ تر رقم
یاسلسله‌است‌ازشبه‌برگردآفتاب یابیخ‌های‌شب‌زده‌برروی‌آفتاب
(همان: ۸۷۱)

دردو بیت بالا نیز که با استفاده از تشبیه مرکب و جمع خلق شده است، شاعرتصویری نو و ابداعی ارائه کرده است و مخصوصا" مشبّهٌ به بیت اول خواننده را به یاد تصاویر خیالی سبک هندی می‌اندازد.

ای دردلم‌خیال‌تو شکی‌به‌ازیقین وی‌درسخن‌لب‌تو وجودی‌کم از عدم
(همان: ۸۷۱)

در بیت بالا شاعر با یک تشبیه مرکب به مقید، تصویری پارادوکسی و زیبا، در بیان حال خود و توصیف معشوق خلق‌کرده است.

www.SID.ir

Archive of SID

فتوحی دوره‌ی سبک عراقی را سرآغاز خلق تصاویر پارادوکسی می داند که قدیمی ترین نمونه‌های آن در آثار سنایی یافت‌شده‌است و پس از وی در شعرشاعرانی همچون عطار، مولوی و حافظ و در سبک هندی در شعر بیدل دهلوی، زبان پارادوکسی در اوج زیبایی و قدرت، نمایان می شود. تصویر پارادوکسی، حامل تجربه‌ای شخصی و شهودی‌است و مانند نماد و اسطوره، حکایت از کشف حقیقتی ناشناخته دارد و در شعر متافیزیکی و عرفانی این دوره که تجسّم جهان بی رنگ و شکل است، جایگاه خاصی دارد(فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۳۱-۳۳۰).

نمونه های زیر از مولوی و خواجو نشان دهنده‌ی رواج تصاویر پارادوکسی در تشبیه مرکب این دوره است:

از همه من گریختم گرچه میان مردمم چون به میان خاک‌کان نقده‌ی زرّ جعفری
(مولوی، ۱۳۵۵: ۲۱۹)

زلف‌مشکین‌چون‌برانداز زرخ ز روشن در شب تاریش بین
(خواجو، ۱۳۷۴: ۴۷۵)

۴ ـ عطار نیشابوری

گستردگی تشبیه مرکب در غزلیات عطار به نسبت شاعران قبلی سبک عراقی بیشتر است؛ چنان که در بررسی هشتاد و هفت غزل از دیوان او به شانزده مورد از انواع تشبیه مرکب برخوردیم، که چهار تشبیه، مرکب به مرکب، سه تشبیه مرکب به مقید، دو تشبیه مرکب به مفرد، شش تشبیه مفرد به مرکب ویک تشبیه از نوع مقید به مرکب است. ازلحاظ آماری در ۱۸٪ غزل های عطار تشبیه مرکب وجود دارد؛ در حالی‌که در غزل انوری که از نظر زمانی‌به او نزدیک است، این رقم به ۱۶٪ و در غزل سنایی که در مشرب عرفانی با او مشترک است به ۱۰٪ می‌رسد.

مرده‌چگونه بر سر دریا فتد ز قعر من‌درمیان‌آتش‌عشقت‌چنان شدم
(عطار، ۱۳۷۵: ۴۰۹)

www.SID.ir

Archive of SID

تشبیه فوق از نوع مرکب به مرکب و بدیع و تازه است؛ زیرا تصویری کـه در نگـاه اول از مرده به ذهن منتقل می‌شود، سکون و عدم تحرک است؛ ولی شاعر این مرده را بر روی آب دریا قرار می‌دهد تا جنبش و حرکت به آن ببخشد و بدین طریق بی قراری و اضطراب خویش از قرار گرفتن در میان آتش عشق معشوق و نیز فنای اراده‌ی عاشـق را در اراده‌ی معشـوق بـه نمـایش گذارد و یادآور این بیت مثنوی باشد:

ما همه شیـران ولی شیر علی　　حمله مان از باد باشد دم به دم

(مولوی، ۱۳۶۸: ۶۰۳)

ای در سرم‌سودای تو، جان و دلم‌شیدای‌تو　　گردون‌به زیرپای‌توچون‌خاک‌ره‌خوارآمده

(عطار، ۱۳۷۵: ۵۸۹)

در بیت بالا تشبیه از نوع مرکب به مقید است و در آن واژه‌ی مشترکی وجود دارد که مشبهٌ به مقید را به سوی مرکب بودن سوق می‌دهد. درباره‌ی این نـوع تشـبیه بعـد از ایـن در بخـش تشبیهات مرکب مربوط به مولانا توضیحاتی خواهد آمد.

حلقه ای یافتـــم دو عالم را　　دل در آن حلقه چون نگین دیدم

(همان: ۴۱۷)

تشبیه فوق از نوع مرکب به مفرد است که البته این نوع تشبیه از جهـت منطقـی و شـیوه‌ی معادله نباید وجود داشته باشد و از موارد نادر به حساب می‌آید؛ زیرا که وجـه شـبه همـواره از مشبهٌ به اخذ می‌شود و برای مشبّه مرکب باید وجه شبه مرکب در نظر گرفته شود، مگر آن که در ذهن خود محذوفی برای مشبهٌ به متصور شد، که این نیز در همه‌ی موارد صـادق نیسـت. وجـه شبه در چنین تشبیهاتی غالباً مفرد و تأویلی است.

در ضمن علمای علم بلاغت، برخی به تصریح (الهاشمی، ۱۳۷۵: ۲۵۲) و بعضی به تلـویح، همچون‌شمیساکه مثالی از این نوع ذکر نکرده است، اعتقادی به این نوع تشبیه ندارنـد. از دقـت در دیگر کتب بلاغی این نکته به خوبی روشن می‌شود که مثال‌هایی که در آن‌ها در باب تشـبیه

www.SID.ir

Archive of SID

مرکب به مفرد آمده، معمولاً از نوع مرکب به مقید است، نه مرکب به مفرد. تنها استاد همایی یک بیت بدون ذکر نام شاعر از این نوع، در اثر خویش آورده است:

پیاله در کف ساقی چو خورشید دل اندر سینـه ی من چون کبوتر

(همایی، ۱۴۷:۱۳۷۳)

مثال های زیر به ترتیب از نوع مفرد به مرکب و مقید به مرکب، در موضوع وصـف و بیـان حال شاعر است:

نـی‌چـه می‌گـویم فلک‌گـویی‌اسـت‌بس درخـم‌آن زلـف‌چـون‌چـوگـان‌کـه هسـت

(عطار، ۱۳۷۵: ۷۵)

چـون‌گل‌یک‌روزه‌درمـیـانه‌ی صد خـار بر سـر پایـم نشستـه سر چـه فرازم

(همان: ۴۴۲)

در شکم چـون زنـد آن طفـل نفس من بـی خـویش چنـان خواهـم زد

(همان: ۱۷۵)

۵ ـ جمال الدین عبدالرزاق

دیوان عبدالرزاق در زمینه‌ی تشبیه مرکب بسیار فقیر و بسامد آن درجدول مقایسه‌ای حـدود ۶٪ است؛ چنان که در بررسی هفده غزل او تنها یک تشبیه مرکب به مرکب عقلی به عقلی یافت شد که در بیان حال و به شیوه‌ی اطناب در دو بیت سروده شده و چندان لطف و زیبـایی در آن دیده نمی شود.

بـاک نـدارد ز سـر زلـف او دل چـو ره آن لب خـندان گرفـت

کز ظلمات ایچ نـینـدیـشد آن کش هوس چشـمه‌ی حیوان گرفت

(جمال الدین، ۱۳۷۹: ۴۶۵)

www.SID.ir

Archive of SID

۶ ـ کمال الدین اسماعیل

پنج تشبیه مرکب به مرکب و یک تشبیه مرکب به مفرد حاصل مطالعه‌ی شانزده غزل از دیوان کمال است که در دو موضوع توصیف و بیان حال شاعر سروده شده است. فراوانی تشبیه مرکب در غزل کمال الدین با حدود ۳۸٪ قابل توجه است و از این نظر بعد از سعدی و خواجو، رتبه‌ی سوم را در جدول مقایسه‌ای به خود اختصاص داده است.

غالب تشبیهات وی حسی به حسی است و شیوه‌ی ترکیب سازی او، تشبیهات مرکب منوچهری را در خاطر زنده می‌کند و باید گفت که الگوی تمام عیار شاعر در زمینه‌ی خلق تشبیهات مرکب؛ همانا تصاویر ترکیبی منوچهری دامغانی است.

تو گویی آتش افتاده است در خار　　ز بس گل ها که از گلبن شکفته است
(کمال، ۱۳۴۸: ۷۳۷)

ز اشک لعل من در چهره ی زرد　　معصفر بر کنار زر کشیدی
(همان: ۷۱۸)

زند خوان همچو مغان بر سر شاخ　　چون کند زمزمه ها می جنبد
(همان: ۷۸۲)

نکته‌ی جالب در مورد بیت بالا این است که علی رغم مفرد بودن مشبهٌ به، وجه شبه؛ یعنی جنبیدن و زمزمه کردن(حرکت توأم با آواز) مرکب است و این از موارد نادر و استثنایی است؛ ضمن این که تعدد وجه شبه را نیز نمی توان از نظر دور داشت.

از مقایسه‌ی پدر و پسر در زمینه‌ی تشبیه مرکب، می‌توان فهمید که پسر (کمال) از جنبه‌ی صور خیال بر پدر(جمال الدین) پیشی جسته و ذهنی‌خلاق‌تر دارد و صفت خلاق المعانی بودن برازنده و شایسته‌ی اوست.

www.SID.ir

Archive of SID

۷- مولوی

گستردگی انواع تشبیه مرکب در غزل مولانا حدود ۱٤٪ است که در مقایسه با شاعر عارف دیگر این دوره؛ یعنی عطار، با حدود ۱۸٪ در مرتبه ی پایین تری قرار دارد. در بررسی حدود سیصد غزل او چهل و دو تشبیه مرکب از انواع مختلف آن، یافت شد. تشبیهات مرکب مولانا به طور کلی در موضوعات توصیف، بیان حال شاعر، مدح معشوق، اطلاعات نجومی و مفاهیم عرفانی است، که از این نظر شباهت زیادی میان او و عطار وجود دارد؛ با این تفاوت که اغراض تشبیه در غزل مولانا بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر از عطار است. در باب‌عقلی وحسی بودن تشبیهات نیز، تشبیهات مرکب مولانا، بیشتر از نوع عقلی است تا حسی، و این به سبب آمیختگی مضامین عرفانی و معنوی در تشبیهات اوست.

عاشقی در خشم شد از یار خود معشوق وار گازری در خشم شد از آفتاب نامدار
(مولوی، ۱۳۵۵: ۲۹۲)

این بیت از نوع تشبیه تمثیل است و خشم عاشق از معشوق را به این تشبیه کرده است که رختشویی از آفتاب خشم بگیرد؛ در حالی که او به آفتاب نیاز دارد تا آنچه شسته است، خشک کند. شاعر در این تشبیه عاشق را در برابر معشوق ناچیز جلوه داده است(فاطمی،۱۳٦٤: ۱۱٤).

چو موسی که نگرفت پستان دایه که با شیر مادر بدش آشنایی
ز صد گور کرد مجنون و بگذشت که در بو شناسی بدش آشنایی
(مولوی، ۱۳۵۵: ۱۲)

در غزلیات مولانا تشبیهاتی دیده می شود که از جنبه‌ی ساختار صوری در دو بیت(یک بیت مشبه و یک بیت مشبه به) و به صورت اطناب سروده شده؛ ولی از نظر معنی ایجاز دارند، در تشبیه اخیر داستان حضرت موسی(ع) و فرعون و عشق مجنون به لیلی در نهایت ایجاز بیان شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

نمونه‌های دیگری از تشبیهات مرکب به مرکب در غزل مولوی:

چـون درون طره اش درافتم دل را عجب　　در درون مـشک رفـتم عـنـبری را یافتم
(همان، ج سوم:۲۹۰)

نـکـتـه‌می‌گویی درحـلقه‌ی‌مسـتان خراب　　خوش بود گـنج که درتـابـد در ویـرانـی
(همان، ج ششم: ۱۵۹)

گرد فـنـا گردد جـان فـقـیـر　　بـر مـــــثل آهـن و آهـن ربـــا
(همان، ج اول: ۱۶۳)

نمونه تشبیه مرکب به مقید:

درون خـرقه ی صـد رنـگ قـالب　　خـیال باد شـکـل آبـگـونـــم
(همان، ج سوم: ۲۴۹)

تشبیهات مرکب به مفرد:

ایـن مفرش آن کـیوان،اف لاک ورای آن　　در کفّ خـدا لرزان،مـاننده ی سـیمابی
(همان، ج پنجم: ۲۸۲)

جـبریل‌پـرده دار اسـت، مردان درون پرده　　در حلقه شان نگینم، در حلقه چون درآیم
(همان، ج چهارم: ۳۱)

همان گونه که قبلاً بحث شد، این نوع تشبیه از جنبه‌ی منطقی نباید وجـود داشـته باشـد و مثال‌هایی که از شعر عرب درکتاب های بلاغت ذکر شده از نوع مرکب به مقید است، نه مرکب به مفرد.

در این تحقیق یکی از تفاوت های ادب فارسی با ادبیات عرب در زمینه‌ی بلاغـت روشـن می شود و آن این که در ادبیات فارسی، بر خلاف ادبیات عرب، تشبیه مرکب به مفرد، اگر چه با بسامد پایین وجود دارد. بسامد این تشبیه مخصوصاً در غزل عطـار و مولانـا بیشـتر از دیگـران است.

www.SID.ir

Archive of SID

نکته‌ی دیگر درباره‌ی تشبیه مرکب به مفرد - که بخصوص در غزلیات مولانا نمود بیشتری دارد- این است که ترکیب اکثریت قریب به اتفاق آن ها به شیوه‌ای است که به ظاهر مرکب به مفرد، ولی در تأویل مرکب به مرکب است، یعنی یک واژه‌ی مشترک در تشبیه آورده می شود که قابل اضافه شدن به بخش مفرد تشبیه است و آن را به سوی مرکب بودن سوق می دهد.

این شیوه به سبب بسامد بالا، می تواند نوعی خصوصیت سبکی در تشبیه مرکب غزلیات مولوی و تا حدودی عطار، به شمار آید. در دو بیت بالا واژه های «کف» و «حلقه» چنین نقشی را به عهده دارند.

نمونه هایی از تشبیهات مفرد به مرکب:

تو آن مردی که او بر خر نشسته است همی پرسد ز خر این را و آن را

(همان، ج اول: ٦٦)

گفتی چونی؟چنان که ماهی افتاده میان ریگ سوزان

(همان، ج چهارم: ۱۷۸)

موری است نقب کرده میان سرای‌عشق هر چند بی پر است، به پرواست آرزو

(همان، ج پنجم: ۷۷)

چرا چون‌ابر بی‌باران به پیش‌مه‌ترنجیدی؟ چرا همچون‌مه‌تابان براین عالم نمی گردی؟

(همان، ج پنجم: ۲۳۱)

چراغیست تمییز در سینه روشن رهاند تو را از فریب و دغایی

(همان، ج هفتم:۱۲)

تشبیهات مفرد به مرکب، همچون تشبیهات مرکب به مرکب در غزل مولانا از بسامد بالایی برخوردار است؛ چنان که در غزل های مورد بررسی، چهارده تشبیه از این نوع یافت شد. موضوعات این نوع تشبیهات نیز همان موضوعات تشبیهات مرکب به مرکب است و تفاوت چندانی از این نظر وجود ندارد.

www.SID.ir

Archive of SID

نکته‌ی قابل توجه در مقایسه‌ی تشبیهات مرکب به مرکب و مرکب به مفرد با تشبیهات مفرد به مرکب این است که از جنبه‌ی عقلی و حسی بودن، تفاوت معنی داری میان آنها وجـود دارد؛ چنان که تشبیهات نوع اول، بیشتر عقلی به حسی و یا عقلی به عقلی است، اما تشبیهات مفرد بـه مرکب عموماً حسی به حسی است و در مواردی که یک طرف آن عقلی است، یکـی از اجـزای تشکیل دهنده‌ی آن محسوس است و تشبیه را به سوی حسی بودن می کشاند.

نمونه‌هایی از تشبیهات مقید به مرکب:

تو چو باز پای بسته، تن تو چو کنده بر پا　　تو به چنگ خویش باید که گره ز پا گشایی
(همان، ج ششم: ۱۳٦)

به خواب هم نتوان دید خواب چشم مرا　　چو مرده ای که درافـتـاد در نـمـکسـاری
(همان، ج ششم: ۲۹٦)

۸- سعدی

بسامد تشبیه مرکب در غزلیات سعدی با حدود ٤۹٪ در بالاترین سطح در میان غـزل هـای شاعران سبک عراقی قرار دارد. از بررسی ٦۸ غزل وی، ۳۳ تشبیه مرکب شامل: ۲۹ تشبیه مرکب به مرکب، دو تشبیه مرکب به مقید،یک تشبیه مرکب به مفرد و یک تشبیه مقید به مرکب به دست آمد. شاید ساختار ظاهری و نحوی غزل سعدی، که ماهیتی نثر گونه و در عین حال سهل ممتنـع دارد، به بسامد بالای تشبیه مرکب در غزل او کمک کرده باشد.

تشبیهات مرکب او به طور کلی در وصف و بیان حال شاعر است و مضامین عشق ورزی به خوبی در آنها پیداست.

نمونه‌هایی از تشبیهات مرکب به مرکب:

آب و آتش خـلاف یـکـدگـرنـد　　نـشـنـیـدیـم عشق و صبر انـبـاز
(سعدی، ۱۳٦۳: ۲۳۸)

www.SID.ir

Archive of SID

غم عـشق‌آمد و غم‌های دگر پاک ببرد　　سـوزنی بایدکـز پـای بـرآرد خـاری
(همان: ٤٥٧)

مـجال خواب نمی باشدم ز دست خـیال　　در سرای نشـاید بر آشـنایان بسـت
(همان: ۳۳)

زدوستان‌که‌تو را هست‌جای‌سعدی‌نیسـت　　گدا مـیـان خریـدار در نمی گنجد
(همان: ۲۰۳)

بـاور از بـخت ندارم که تـو مهمان منی　　خیمه‌ی پـادشـه آنگاه فضای درویـش؟!
(همان: ٢٦٣)

گر درون سوخته ای با تو برآرد نـفسی　　چه تفاوت کند اندر شکـرستان مـگـسی
(همان: ٤٧٥)

از مطالعه تشبیهات مرکب سعدی این نکته به خوبی پیداست که او در این زمینه نسـبت بـه شعرای سابق خود و حتی معاصرانش، صاحب سبک و سرآمد آنهاست.

یکی از خصوصیات تشبیهات مرکب او مضمر بودن اکثر آنهاسـت، کـه حکایـت از قـوت خیال و ذهن خلاق وی دارد. بدیهی است که هر چه تشبیه پنهان تر باشد،کوشش ذهنی ما بـرای کشف رابطه یا رابطه های نهفته میان مشبّه و مشبّهٌ به بیشتر خواهد بود و در نتیجه بعد از کشـف این رابطه، لذت فراوان تری را بهره‌ی خود خواهد ساخت.

تشبیهات مرکب سعدی به نوعی با زندگی روزمره‌ی مردم گره خورده است و گویی آیینه‌ای است که خوانندگان جلوه‌های درونی و ذهنی خود را درآن به تماشا می نشینند و همـین مسـأله آن ها را زیبا و دلچسب نموده است.

بسیاری از تشبیهات‌مرکب او از نوع تشبیه تمثیل است که مخاطب آن عامه‌ی جامعه است و مردم در محاورات خود بیشتر از آن سود می جویند و این شیوه با منش سعدی کـه یـک شـاعر اجتماعی است، سازگاری دارد. عبدالقاهر جرجانی در باره‌ی علل زیبـایی تشـبیه تمثیـل معتقـد است که تمثیل جامه‌ی ابهت بر معانی می پوشاند و فضیلت و ارزش آنها را می افزاید و سـبب

www.SID.ir

Archive of SID

جلب دل ها به معانی می شود. مدح را باشکوه تر و فخیم تر نماید ممدوح را بیشتر تحت تأثیر قرار دهد و اگر با ذم همراه گردد، دردآورترگزنده تر باشد و در باب استدلال برهانش درخشان تر و چیرگیش فراوان‌تر باشد و برای اعتذار به قبول نزدیک تر و دلنشین‌تر در فرونشاندن خشم کارگرتر است و اگر با وعظ همراه شود،در باز داشتن شخص از گناه رساتر است... (ضیف،۱۳۸۳: ۲٦٤-۲٦۳).

منظور ما ازتشبیهات مرکب تمثیلی همان است که شفیعی کدکنی« اسلوب معادله» می‌نامد (شفیعی- کدکنی، ۱۳٦٦:۸٤) که در آن هر دو طرف تشبیه؛ یعنی مشبه و مشبهٌ به مذکور است، نه تمثیل در معنایی که در بلاغت فرنگی رایج است و معادل «**Allegory**» است و به آن «مجاز مرکب بالاستعاره» نیز اطلاق می شود. بدیهی‌است که تمثیل‌در معنای فرنگی آن نمی‌تواند در غزل دوره ی مورد بحث ما جایگاهی‌داشته‌باشد و حوزه ی رواج آن ادبیات روایی، داستانی، حماسی و نمایشنامه است.

تشبیهات مرکب تمثیلی معمولاً نکته ای حکمی و اخلاقی را در خود به همراه دارد. بنابراین تشبیهات مرکب سعدی را باید دروازه‌ی واقعی ورود به سبک هندی، در زمینه ی تشبیه مرکب تمثیلی ومخصوصاً غزل صائب دانست.

۹- عراقی

بسامد تشبیهات مرکب عراقی با حدود ۲۲٪ در میانه های جدول مقایسه ای تشبیه مرکب در این دوره قرار می گیرد. از بررسی ۳۱ غزل وی هفت مورد تشبیه مرکب شامل: چهار تشبیه مرکب به مرکب، یک تشبیه مرکب به مقید،یک تشبیه مرکب به مفرد و یک تشبیه مفرد به مرکب به دست آمد.

نمونه هایی از تشبیهات مرکب به مرکب:

مست ساقی به رنگ و بو چه کند حاضران را چه کار با پیغام

(عراقی، ۱۳٦۸: ۱۷۱)

www.SID.ir

Archive of SID

چون‌شدم‌مست‌از شراب‌عشق‌عقلم‌گو برو　　گر فرو شست‌آب‌حیوان‌نقش‌دیواری‌چه شد؟
(همان: ۱۸۷)

تشبیه مرکب به مفرد:

خود هر چه به جز تو در جهان است　　هست آن چو سراب یا صدایی
(همان: ۲۹۷)

تشبیه مرکب به مفرد:

پس در همچو جارویی که پیوست　　میان در بسته بهر رفت و روبی
(همان: ۳۰۲)

تشبیه مرکب به مقید:

چون حلقه بر این در ای عراقی　　می باش به گرد او که دانند
(همان: ۱۹۱)

چنان که مشاهده می شود، تشبیهات مرکب عراقی به پیروی از مشرب عقیدتی وی، کاملاً رنگ و بوی عرفانی دارد و مضامین آن ها تکراری است و تصرف او بیشتر در ساختار ترکیبی تشبیهات است، نه در خلق مضامین جدید و ابتکاری.

۱۰- خواجوی کرمانی

فراوانی تشبیه مرکب در غزلیات خواجو در جدول مقایسه‌ای این نوع تشبیه حدود ٤٠٪ است که بعد از سعدی رتبه‌ی دوم را به خود اختصاص داده است. از بررسی ۸۱ غزل وی، ۳۲ تشبیه مرکب شامل: ۲٦ تشبیه مرکب به مرکب، یک تشبیه مرکب به مقید، دو تشبیه مقید به مرکب و سه تشبیه از نوع مفرد به مرکب یافت شد. موضوعات تشبیه نیز عموماً همچون غزل دیگر شعرا، توصیف و بیان حال شاعراست.

www.SID.ir

Archive of SID

در تشبیهات مرکب خواجو عنصر ابتکار و نوآوری به خوبی به چشم می خـورد و از ایـن نظر سرآمد دوران خود است. شاید یکی از بد اقبالی های او، هم عصر بودن با حافظ باشد و گر نه نخلبندی های او در زمینه‌ی تشبیه مرکب، منحصر به فرد است.

نمونه هایی از تشبیه مرکب به مرکب:

بـر بـناگوش تو خال حـبشی هـرکه بدید گفت بر گوشه‌ی خورشید نشسته است بلال

(خواجو، ۱۳۷٤: ۲۹۹)

تشبیه در بیت بالا با تناسب های تلمیحی که میان واژه های آن برقـرار شـده، بسـیار بـدیع افتاده و تشبیه خیالی زیبایی ساخته است.

هر که را وجدی نباشد کی بغلتاند سمـاع؟ آتشـی باید که تا دودی به روزن بـر شود

(همان: ٤٢٦)

چشم را دربند تا در دل نیاید غیر دوست گر در مسجد نبندی سگ به مسجد درشود

(همان: ٤٢٦)

در این بیت نیز هر چه غیر دوست، نجس العین تصور شده است که بایـد دروازه‌ی مسـجد دل(چشم) را به رویش بست و از ورود او ممانعت کرد.

روح را کس نکند دستخوش نفس خسیس عاقلان آیـنه‌ی چـین نـفـرسـتند به زنگ

(همان: ٤٠٥)

گویی همین بیت است که بعداً در سبک هنـدی، دسـتمایه‌ی شـعرا در ضـدیت و دشـمنی زنگیان با آینه قرار گرفته است؛ چنان که صائب گوید:

به شب ز حلقه‌ی اهل گناه کن شبگـیر دلی چـو آینه داری به زنگـبار مـخسـب

(صائب، ۱۳۷۰، ج اول: ٤٥۲)

بنگر در اشک مسـتان عکس مال ساقی همچـون قمر که سازد جام شراب مـنـزل

(خواجو، ۱۳۷٤: ۷۱٦)

www.SID.ir

Archive of SID

این تشبیه نیز ابتکاری و تازه است؛ زیرا که شاعران معمولاً عکس ماه را در آب نمایش می دهند، اما در این جا تصویر ماه در جام شراب افتاده تا تناسب چشم مستان با آن برقرار شود و بیانگر قرب و وصال عاشق به معشوق هم باشد، ضمن این که ایهام گونه‌ای نیز به منازل فلکی ماه دارد که البته در این جا مدّ نظرنیست.

در دیده ی من خیال قدت　　چون سرو ز طرف چشمه رسته
(همان: ۷۵٦)

کی شکیبد دلم از چشمه‌ی نوشت هیهات　　تشنه در بادیه چون بگذرد از آب زلال؟
(همان: ۲۹۹)

جان چه ارزد که برم تحفه به جانان هیهات　　همه دانند که کس زیره به کرمان نبرد
(همان: ۶۶۶)

در بیت بالا ضمن بیان حال خود، آن را با فرهنگ عامه نیزآمیخته و تشبیه تمثیل ساخته است، گویی شاعر می خواسته بر کرمانی بودن خود نیز صحّه بگذارد.

تشبیه مفرد به مرکب:

چون به مهمانخانه‌ی قدسم سماع انس بود　　آسمان را سبزه ای بر گوشه‌ی خوان یافتم
(همان: ۷۳۱)

تشبیه مرکب به مقید:

هر که در صحبت آن شاخ صنوبر بنشست　　همچو باد سحری از سر بستان برخاست
(همان:٦٤٠)

در بیت فوق جزء اول مشبه را با یک استعاره‌ی مصرحه در هم آمیخته و مشبه مرکب ساخته است که نشان از قوت تخیل و ذهن استعاره گرای شاعر دارد.

www.SID.ir

Archive of SID

بسامد تشبیهات مرکب در موضوع بیان حال شاعر، در غزلیات خواجو پایین تر از موضوع توصیف است و تشبیهات وصفی او نیز بیشتر در وصف معشوق و محبوب است؛ گویی شاعر از شدت استغراق و محو در جمال معشوق، مجال پرداختن و توجه به خود را نداشته است؛ چنان که همین امر در مورد تشبیهات غزل مولانا نیز صادق است.

۱۱- سلمان ساوجی

بسامد تشبیهات مرکب سلمان با حدود ۷٪ بعد از جمال الدین عبدالرزاق در پایین ترین سطح در جدول مقایسه‌ای تشبیه مرکب در این دوره قرار دارد؛ چنان که در ٤٤ غزل مطالعه شده، تنها سه تشبیه مرکب به مرکب در موضوع توصیف و بیان حال شاعر دیده شد.

تشبیهات مرکب سلمان به دور از لطف و زیبایی سروده شده و خلاقیت و ابتکاری درآن ها به چشم نمی خورد.

نمونه هایی از تشبیهات مرکب به مرکب سلمان:

به غیر نقش تو در دیده هرچه می آید نظر معاینه نقشی بر آب می بیند
(سلمان، بی تا: ٤٢٨)

اهل دل را به خرابات مغان ره ندهند رخت تن را به سراپرده‌ی جان ره ندهند
(سلمان: ٤٣١)

۱۲- حافظ

حافظ هم اقبال چندانی به تشبیه مرکب از خود نشان نداده است و گویی از مطالعه‌ی آثار پیشینیان و هم عصران خود به این حقیقت پی برده است که این نوع تشبیه قله های ترقی وکمال خود را طی کرده است و کوشش ذهنی او ممکن است در این وادی توفیق چندانی حاصل نکند و در مغاک تقلید فرو افتد؛ بنابراین ترجیح می دهد، سمند خیال خود را در میدان های دیگر، مثلاً ابهام سرایی و ایهام گویی به جولان درآورد.

www.SID.ir

Archive of SID

فراوانی تشبیهات مرکب حافظ حدود ۱۶٪ ؛یعنی در حدّ انوری است. از بررسی ٤۹ غزل حافظ تنها هشت تشبیه مرکب، شامل: شش تشبیه مرکب به مرکب و دو تشبیه مقید به مرکب به دست آمد.

نمونه هایی از تشبیهات مرکب به مرکب:

هوای کوی از سر نمی رود بیرون غریب را دل سرگشته با وطن باشد
(حافظ، بی تا: ۱۰۹)

گوهر پاک تو از مدحت ما مستغنی است فکر مشاطه چه با حسن خدا داد کند
حافظ ار میل به ابروی تو دارد شاید جای در گوشه‌ی محراب کنند اهل کلام
(همان: ۲۱۱)

نمونه ای از تشبیه مقید به مرکب:

شرح شکن زلف خم اندر خم جانان کوته نتوان کرد که این قصه دراز است
بار دل مجنون و خم طره ی لیلی رخساره‌ی محمود و کف پای ایاز است
(همان: ۲۹)

در دو بیت آخر،شاعر با بهره گیری از تعدد مشبّهٌ به، دو داستان طولانی را در نهایت ایجاز بیان داشته است.

آنچه از همین تعداد اندک تشبیهات مرکب حافظ می توان فهمید، این است که اگر او به صورت جدّی به تشبیه مرکب در اشعار خود می پرداخت، همان شیوه‌ی سعدی را در پیش می‌گرفت و تشبیه تمثیل را سرلوحه‌ی کارخویش قرار می داد، و شاید همین روح تقلید ناپذیری و استقلال فکری او باعث شده است که گرایش چندانی به این نوع تشبیه از خود نشان ندهد و نوآوری ها و خلاقیت هایش را در دیگر وادی های صور خیال به نمایش گذارد.

www.SID.ir

Archive of SID

بحثی پیرامون تشبیه مرکب تخییلی در غزل دوره‌ی عراقی

تشبیه مرکب تخییلی،تشبیهی است که مشبهٌ به آن وجود خارجی نداشته باشد و تنها در خیال خود بتوان آن را تصور کرد (جرجانی، ۱۳۶۱: ۹۹).

تشبیهات مرکب تخییلی نیز همچون تشبیهات تمثیلی،در حوزه ی تشبیه مرکب، از اسباب و لوازم زیبایی و اعتبار این نوع تشبیه است و هر چه بسامد تشبیهات مرکب تخییلی در شعر شاعری بالاتر باشد، شعر او از منزلت و ارزش بیشتری در میان آثار دیگر شاعران برخوردار خواهد بود.

در بررسی غزل های شاعران این دوره،تنها در نیمی از آثار آن ها به تشبیهات مرکب تخییلی برخوردیم که از جنبه ی زیباشناسی تفاوت فاحشی میان آن ها به چشم می خورد. از مجموع ۱۵۹تشبیه مرکب به دست آمده در غزل های مورد مطالعه‌ی این عصر، فقط ۱۴ مورد از نوع مرکب تخییلی است، که آمار قابل توجهی به حساب نمی آید. از طرفی دیگر، پراکندگی این تشبیهات نیز در همه ی آثار یکسان نیست و برخی شاعران برجستگی ویژه ای در این زمینه دارند.

انوری با دو تشبیه، عطار با یک، مولوی با سه، عراقی با یک، خواجو با شش و سلمان با یک تشبیه، از کسانی هستند که در غزل های خود از تشبیه مرکب تخییلی بهره جسته اند و از میان اینها تشبیهات مرکب تخییلی خواجو و انوری از زیبایی و ارزش ویژه ای برخوردار است.

برای داوری ذهن خوانندگان در باب تشبیهات مرکب تخییلی شاعران این دوره، در ذیل به ذکر همه ی تشبیهات از این نوع می پردازیم.

انوری:

خط تو بر خد تو چو بر شیر پای مور　　زلف تو بر رخ تو چو بر می پر غراب
(انوری، ۱۳۷۶: ۷۷۰)

بر عارض تو حلقه‌ی زلف تو گوییا　　کز مشک‌چشم‌هاست به‌گلبرگ‌تر رقم
(همان: ۸۷۱)

www.SID.ir

Archive of SID

عطار:

مثال تو در این کنج خرابات　　مثال سایه ای در آفتاب است
(عطار، ۱۳۷۵: ۲۸)

مولوی:

در میان طره‌اش رخسار چون آتش ببین　　گو میان مشک و عنبر مجمری را یافتم
(همان، ج سوم:۲۹۰)

چون میان طره‌اش دریافتم دل را عجب　　در درون مشک رفتم عنبری را یافتم
(همان: ۲۹۰)

چراغی‌است تمییز در سینه روشن　　رهانـد تو را از فریب و دغایی
(همان، ج هفتم: ۱۲)

عراقی:

چون شدم مست از شراب عشق عقلم گو برو　　گر فروشست آب حیوان نقش دیواری چه شد
(عراقی، ۱۳۶۸: ۱۸۷)

خواجو:

پرتو روی چو ماه‌تو در آن زلف سیاه　　راستی را چه شب تیره و خوش مهتابی است
(خواجو، ۱۳۷۴: ۲۱۴)

گلستان رخت در دلستانی　　بهشتی بر سر سرو روان است
(همان: ۲۱۹)

بر بناگوش تو خال حبشی هر که بدید　　گفت بر گوشه خورشید نشسته است بلال
(همان: ۲۹۹)

www.SID.ir

Archive of SID

آن مرغ که برکنگره‌ی‌عرش نشیند　　ماییم که طاوس گلستان جنانیم
(همان: ۴۶۵)

زلف مشکین‌چون براندازد ز رخ　　روز روشن در شب تاریش بین
(همان: ۴۷۵)

ره چون‌برم‌به‌کویت‌زآنروکه‌نادرافتد　　در آشیان عنقا کرده ذباب منزل
(همان: ۷۱۶)

سلمان:

به غیر نقش تو در دیده هر چه می آید　　نظر معاینه نقشی بر آب می بیند
(سلمان، بی تا: ۴۲۸)

نتیجه

تشبیه مرکب در نظر اهل بلاغت جایگاه ویژه ای در متون ادبی دارد و تأثیر آن بر جان و دل خواننده انکار ناپذیر است. عبدالقاهر جرجانی در اسراالبلاغه خویش، در زمینه‌ی این تشبیه و میزان اثر بخشی آن در معانی، به طور مبسوط،قلم فرسایی کرده است. از بررسی این تشبیه در غزل سبک عراقی نتایج زیر به دست آمد:

۱- منحنی فراوانی تشبیهات مرکب در این دوره سیر یکسانی ندارد؛بلکه دارای پستی و بلندی است و در پایان این دوره، سیر نزولی در پیش گرفته است.

۲- میزان تشبیهات مرکب در غزل سنایی و خاقانی اندک است؛ اما فراوانی این تشبیه در غزل انوری رو به افزایش است و تشبیهات مرکب او ابداعی و زیباست و خلاقیت ذهنی او را به خوبی نشان می دهد.

۳- فراوانی این تشبیه در غزل عطار و مولانا،که مشرب عرفانی دارند، نزدیک به هم است و آوردن واژه‌ی مشترک میان مشبّه و مشبّهٌ به در تشبیهات مرکب به مفرد از ابداعات مولوی و تا حدودی عطار است؛ اما اغراض تشبیهات مرکب مولانا به سبب گستردگی مشرب عرفانی خاص

www.SID.ir

Archive of SID

او، وسیع و دامنه دار است و هر اندیشه ای را به شیوه ای زیبا و ابتکاری در تشبیهات خود گنجانیده است.

٤- ساختار تشبیهات مرکب کمال الدین اسماعیل، تشابه خاصی با تشبیهات مرکب منوچهری دارد.

٥- در میان شاعران مورد بحث این دوره،سعدی اولین کسی است که تشبیه مرکب تمثیل(اسلوب معادله) را به زیبایی هر چه تمامتر در تشبیهات مرکب خود به کار برده است.

٦- عنصر ابتکار و نوآوری در تشبیهات مرکب خواجو به خوبی به چشم می خورد و از این نظر سرآمد دوران خود است.

۷- حافظ اقبال چندانی به تشبیه مرکب‌از خود نشان نداده است و خیال خود را در زمینه هایی همچون ابهام- سرایی و ایهام گویی محک زده است.

۸- در زمینه تشبیهات مرکب تخییلی،تفاوت معنی داری در غزل شاعران این دوره مشاهده می شود؛ چنان که از دوازده شاعر مورد بحث، تنها در آثار شش نفر از آن ها تشبیه مرک تخییلی به چشم آمد و در میان این شش نفر نیز، تشبیهات خواجو و انوری قابل اعتنا است و خلاقیت و نوآوری زیبایی از خود به نمایش‌گذاشته اند.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱- انوری (۱۳۷٦) **دیوان**. به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. چاپ پنجم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲- تجلیل، جلیل(۱۳٦۸) **نقش بند سخن یا مجموعه مقالات ادبی**. چاپ اول. تهران: نشر اشراقیه.

۳- ثروتیان، بهروز(۱۳۸۳) **فن بیان درآفرینش خیال**. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.

٤- جرجانی، عبدالقاهر(۱۳٦۱) **اسرار البلاغه**. ترجمه جلیل تجلیل. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۵- جمال الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی (۱۳۷۹) **دیوان**. به تصحیح وحید دستگردی. چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات نگاه.

٦- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد(بی تا) **دیوان**. به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی. چاپ اول. تهران: کتابفروشی زوار.

۷- خاقانی شروانی(۱۳۷٤) **دیوان**. مقابله و تصحیح و مقدمه و تعلیقات ضیاء الدین سجادی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات زوار.

۸- خواجوی کرمانی(۱۳۷٤) **دیوان**. به تصحیح احمد سهیلی خوانساری. چاپ سوم. تهران: انتشارات پاژنگ و مرکز کرمان شناسی.

۹- سعدی شیرازی، شیخ مصلح الدین(۱۳٦۳) **کلیات**. به تصحیح محمد علی فروغی. چاپ سوم. تهران: نشر محمد.

۱۰- سلمان ساوجی(بی تا) **دیوان**. مقدمه و تصحیح ابوالقاسم حالت. به کوشش احمد کرمی. تهران: سلسله نشریات ما.

۱۱- سنایی، غزنوی(۱۳۸۵) **دیوان**. به سعی و اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. چاپ ششم. تهران: انتشارات سنایی.

۱۲- شفیعی کدکنی، محمد رضا(۱۳٦٦) **صورخیال در شعر فارسی**. چاپ سوم. تهران: انتشارات آگاه.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۳- شمسیا، سیروس(۱۳۷۱) **بیان**. چاپ دوم. تهران: انتشارات فردوس.

۱٤- ـــــــــــ (۱۳۷۹) **سبک شناسی شعر**. چاپ ششم. تهران: انتشارات فردوس.

۱۵- صائب تبریزی(۱۳۷۰) **دیوان**. به کوشش محمد قهرمان. چاپ دوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۱٦- طالبیان، یحیی(۱۳۷۸) **صورخیال در شعر شاعران سبک خراسانی**. چاپ اول. کرمان: موسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی.

۱۷- ضیف، شوقی (۱۳۸۳) **تاریخ و تطور علوم بلاغت**. ترجمه محمد رضا ترکی. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

۱۸- عراقی، فخرالدین(۱۳٦۸) **دیوان**. تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سنایی.

۱۹- عطار، شیخ فرید الدین(۱۳۷۵) **دیوان**. به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی. چاپ نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۰- فاطمی، سید حسین(۱۳٦٤) **تصویر گری در غزلیات شمس**. چاپ اول. تهران: چاپخانه سپهر.

۲۱- فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۵) **بلاغت تصویر**. چاپ اول. تهران: انتشارات سخن.

۲۲- کمال الدین اسماعیل اصفهانی، خلاق المعانی ابوالفضل(۱۳٤۸) **دیوان**. به اهتمام حسین بحر العلومی. چاپ اول. تهران: کتابفروشی دهخدا.

۲۳- مولوی، جلال الدین محمد(۱۳۵۵) **کلیات شمس**. به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: انتشارت دانشگاه تهران.

۲۴- ـــــــــــــــ(۱۳۶۸) **مثنوی معنوی**. به سعی و اهتمام و تصحیح رینولد نیکلسون. چاپ ششم. تهران: انتشارات مولی.

۲۵- الهاشمی، احمد(۱۳۷۵) **جواهرالبلاغه**. چاپ ششم. قم: مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی.

۲٦- همایی، جلال الدین(۱۳۷۳) **معانی و بیان**. به کوشش ماهدخت بانو همایی. چاپ دوم. تهران: موسسه نشر هما.

www.SID.ir